

نامه حاجی میرزا

آقاسی بمیرزا

تقی خان

۴



هر چند از مطالب برخی از نامه‌های مرحوم حاجی میرزا آقاسی معلوم میشود که مشارالیه از میرزا تقی خان اندکی دل تنگ بوده است ولی در نامه‌ای که در ماه ذیحجه ۱۲۶۲ بایشان نوشته است می‌توان گفت که باشباه خود پی برده است و ما برای استحضار خوانندگان سواد آنرا در اینجا مینگاریم :

«عالمجنابا مقرب الخاقانا فرزندنا نوشتجات آن فرزندبا کتابچه وقایع مصحوب علی اکبر بیگ سلطان پستخانه مبارکه در چهارم شهر ذیحجه واصل شد و مسطورا تش را از فاتحه تا خاتمه ملاحظه و مطالعه کرد.

آفرین خدای بر پدری

که تو پروردومداری که بزاز
مرحبا صد هزار آفرین روی آن
فرزند سفید . نمک شاهنشاه دین پناه
روح العالمین فداه بر آن فرزند حلال باشد.
الحق درین مدت پنجسال که در ملک خارج
موافق شأن و جلالت دولت علیه حرکت
کرده و با کفایت وافیه و درایت کافی بخدمات
مرجوعه پرداخت . از طرز حسن خدمت
و خلوص عقیدت و صدق ارادت و اهتمام
در خدمات دولت مرا زاید الوصف از خود
راضی و خشنود ساخت . رضای من که سهل
است خاطر اقدس همایون شاهنشاهی
خلداله ملکه و سلطان و افاض علی العالمین
بره و احسانه را بسیار از خود راضی ساخته

است که انشاء الله بعد از شرفیابی حضور مبارک در تلافی زحماتی که کشیده و مشقتهائی که دیده مورد تلافیات و تفقدات ملوکانه خواهد شد.

عجالة آن فرزند را بصور منشور عطوفت دستور همایون و ایفاد يك قبضه شمشیر مرصع مفتخر و سرافراز فرمودند که از این عنایت عظمی و مهیت کبری فیما بین امثال او کفاء و مفاخرت حاصل نمایند.
در باب آمدن یوسف بیگ از دربار دولت علیه عثمانی و آوردن پانزده هزار تومان وجه خسارت برای آن فرزند و تکلیف و کلای دولتین فخیمتین واسطه در قبول آن که به آن تفصیل قلمی داشته بود معلوم شد . بدیهی است که در این مدت هر چه امنا و وکلای دولتین فخیمتین واسطه به این طرف تکلیف کردند محض پاس احترام ایشان همه را شنیدیم و قبول کردیم . اما من مکرر بجنابان جلالتما بان و زرای مختار دولتین فخیمتین واسطه گفته‌ام که این عمل و ترضیه آن دستور العملی برای آینده این دولت علیه شده است . این که نوشته بود

بودیم اهتمامات کامله بظهور رسانیده و خدمات شایسته او مقبول حضرت سلطنت آمده ظهور مرحمتی درباره او ملزوم همت آسمان رفعت آمده در هذه السنه به یونت ئیل خیریت دلیل باعطای يك قبضه شمشیر مرصع او را مخصوص و میاهی داشتیم و بظهور این عنایت مایه اعتبارش در میان امثال و اکفا برافراشتیم که شمشیر مرحمتی را زیب میان خدمت گزاری ساخته از روی کمال استظهار و اهتمام بمراتب خدمت اقدام و حسن کفایت و کاردانی خود را زیاد مشهود امنای دولت ابدار تمام دارد و در عهده شناسد . تحریراً فی شهر ذیحجه ۱۲۶۲ .»

خدمات میرزا تقی خان در دوره

صدارت

ما تا اندازه ای از خدمات مرحوم میرزا تقی خان تا روزیکه بصدارت رسید بطور اختصار چیزهایی نوشتیم اکنون باید کارهایی که پس از رسیدن بصدارت انجام داده شده ای از آنها را نیز بوجه اجمال بعرض خوانندگان عزیز برسانیم :

۱

تعدیل بودجه مملکت

نخستین کاری که بدان اقدام بایستی کرد تعدیل بودجه مملکت بود زیرا که دو کرور تومان عایدات مملکتی از مخارج کم

تنخواه مزبور را برسم نیاز می خواهد به جهت اینجانب بفرستد اینها چه حرفست من بایست به آن فرزند در تلافی زحمات و خساراتی که در مدت توقف ارزنة الروم کشیده است رعایتها بکنم و محبتها بنمایم توقمی از آن فرزند ندارم . دیگر از قراریکه نوشته بود البته تابحال دستورالعمل برای انوری افندی از جانب دولت علیه عثمانی رسیده است و قرارنامه را مهر و مبادله کرده معاودت نموده است . اینکه اذن خواسته بود برای سرکشی و انتظام امور خود چندی در تبریز توقف نماید البته لازم است که بیست روز و یکماهی در تبریز توقف کرده از رنج سفر آسایش نموده و به سرکشی منسوبان و نظم امورات خود پرداخته بعد بدربار همایون پادشاهی بیاید . میباید آن فرزند تا زمان ملاقات حالاً ترا و ماماترا اعلام دارد . تحریراً فی شهر ذیحجه ۱۲۶۲ .»

فرمان محمدشاه قاجار راجع به

اعطای شمشیر مرصع میرزا تقی خان

«عالیجاه مقرب الخاقان میرزا تقی خان بدانند که چون بمزید شایستگی و استعداد و کفایت چند در کلیات امور دولت قوی بنیاد از بظهور رسید موجب اعتماد و وثوق خاطر همایون بحسن درایت و کفایت آن عالی جاء گردیده و مدتی که آن عالیجاه را مأمور بتوقف ارزنة الروم و رفع غوایل بین الدولتین علمیتین ایران و روم فرموده

بود و اصلاح این امر در نهایت صعوبت بود ولی امیر از آن کسان نبود که در این گونه موارد قدم باز پس گذارد و در عرض مدت کمی بمقصد خود نایل گردید . مرحوم سپهر در جلد قاجار شرحی در این باب نوشته است که در اینجا نوشته میشود:

« پس طبقات شاهزادگان بزرگ را تا چاکران خردنام هر کس را از مستوفیان درگاه و عارضان سپاه همی بخواست و از مرسوم و مواجب ایشان لختی بکاست و در این امر وضع و شریف و قوی و ضعیف را بیکدست بهره فرستاد تا هیچکس را بکس سخره نباشد و من بنده با اینکه در حضرت شاهنشاه بمنصب استیفا فخری بزرگ داشتم و در انشاء قصاید لالی فرایند نثار حضرت می بردم میرزا تقی خان معادل دوهزار تومان زرمسکوک از مرسوم و مواجب من بنده بکاست . »

پس از انجام این بخاموش کردن ناپره فساد توجه کرد و در هر کجا که فتنه و آشوبی روی میداد باسکات آن میپرداخت که مهمترین آنها فتنه سالار در خراسان بود .

۲

سالار کیست

سالار اسمش محمد حسن خان پسر اللهیار خان آصفالدوله فرزند میرزا محمد خان بیگلربیگی اولر قاجار است و از طرف

مادر نسبتش فتحعلیشاه منتهی میشود بدین ترتیب که حاجیه گوهر خانم دختر فتحعلیشاه معقوده اللهیار خان آصفالدوله بود و سالها آصفالدوله صدارت فتحعلیشاه را داشت و در زمان صدارت وی محمد حسن خان بسالاری در دربار ارتقا یافت و از اینرو بسالار معروف گردید .

سالار خود و پسرش امیر اصلان خان هر دو بخلاف پدر وجد خودشان رشید و هنرمند بودند و در جنگ دوم روس و ایران فتحعلیشاه آصفالدوله را که سمت صدارت داشت به آذربایجان فرستاد و در آن جنگها نهایت بیعرضگی را از خود نشان داد و بالاخره مأمور حفظ و حراست تبریز شد ولی از عهد بر نیامد که سهل است کارهایش مایه افتضاح و رسوائی گردید . و مرحوم میرزا ابوالقاسم قائم مقام راجع بفرار وی از گنجه و از کنار و در زکم گوید .

بگریز بهنگام که هنگام گریز است
رو در پی جان باش که جان سخت عزیز است
جانست نه آنست که آسانش توان داد
بشناس که آسان چه و دشوار چه چیز است
ای خائن نان نمک شاه ولیعهد
حق نمک شاه ولیعهد گریز است
سختم عجت آمد که تورا با صدوده توپ
رکضت بستیز آمد و نهضت به سه تیز است
گوید که غلام در شاهنشهم اما
بالله نه غلام است اگر هست کنیز است .

ودرموقع ورود سپاهیان روس بشهر تبریز درخانهیی متواری شد وروسها او را پیدا کرده حبس نمودند و پس از مصالحه ترکمان چای آزاد شد و تهران آمدفتحملی شاه بفرمود تا او را به توپ مرواریدبستند وچوب زدند و نخستین چوب را برنایب السلطنه زد .

ودر سال ۱۲۵۰ که فتحعلیشاه در اصفهان چشم از جهان بست و محمد شاه وارث تاج و تخت کیان گسردید میرزا ابوالقاسم قائم مقام را بصدارت برگزید و در سلخ صفر ۱۲۵۱ آن مرد نامدار را بدان وضع در دنك بگشت . میدان برای

گردانگیزی و شمشیربازی صدارت طلبان بازگردید و یکی از آنان که قبلا هم در زمان فتحعلیشاه چند سال مزه صدارت را چشیده بود اللهیارخان آصفالدوله بودکه درآن تاریخ سمت حکمرانی خراسان را داشت همینکه شنید قائم مقام جان بجهان آفرین سپرده در نهایت عجله روی بتهران آورد غافل از اینکهمحمد شاه حاجی میرزا آقاسی را بصدارت انتخاب کرده و رشته امور مملکت ایران را بدست اوسپرده است و همینکه بشرف حضور نایل گردید بجای آنکه برمسند وزارت بنشیند موردعتاب و خطاب گشته بمقر حکومت خود بازگشت .

(ادامه دارد)

بقیه ازصفحه ۹۶

سردار اسعد - اسفندیار ۱۳۱۴ در حاشیه مطالبی که اسفندیارخان نوشته سردار ظفر در دوجا اضافه کرده است .

الآن که سنه ۱۳۲۷ است ظل السلطان علیه ما علیه در فرنگستان معذب است و کسان و بستگان پیران وغیره... در اصفهان زیر لوای بختیاری هستند . جای دیگر نوشته :

الآن که نهم شعبان سنه ۱۳۲۷ است است بحکم وزیرداخله جناب اشرف حاجی علی قلی خان ومجلس فوق العاده ظل السلطان در رشت محبوس ، مبلغ يك كرور از او می خواهند بعد هم هر چه حکم خدائی و مشروطه است در حق این نامرد بدفترت خواهند نمود .

فاعتبروا یا اولی الابصار .

یاری آمده حالت مواحدت پیدا کرده هشت سال است در کمال تفاق به شغل پدر بلکه صد درجه بهتر مشغول رتق و فتق مهمات شده در ابتدای سلطنت اعلیحضرت قدر قدرت مظفرالدین شاه خلدالله ملکه به منصب سردار اسعد سربلند و در نهایت اعتبارداری مراتب ارجمند وصاحب املاک آلا ف والوف دولت و فرزند و عمارات دلپسند از وجود برادران فحام و بنی اعمام عظام بهر مندشدهام یادانستم :

دولت همه زاتفاق خیزد

بی دولتی از نفاق خیزد خداوند بعدها خوش مقدر فرماید . اینک هم با کمال خرمی و انبساط و مسرت و نشاط عزیمت دارالخلافه تهران دارم تا تقدیرات خداوندی چه اقتضا کند - مهر-